

راه‌تعالی انسان از دیدگاه قرآن (۱)

نکاتی پیرامون:

معرفت نفس، مراقبه و محاسبه

مقدمه:

سلسله درس‌هایی که در پیش روی دارید، درس‌هایی است که استاد بزرگ حکمت الهی و معارف اسلامی، حضرت آیه ... جوادی املی پیرامون راه تعالی انسان و چگونگی رسیدن به مقام «ولی الله» و مقام قرب الهی، ایراد فرموده‌اند امید

است که بافت در اینگونه مطالب وسیعی در هرچه دقیق‌تر بیاید نمودن آنها در عمل، خود مصداق برانسان تعالی قرار گرفته و جامعه مانیز به لطف خداوند الگو و اسوه جوامع حق طلب و تعالی جو، قرار گیرد.

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى ... عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ

بهترین و کاملترین راه برای انسان تعالی، آن است که خود را در حضور خدایبندد، نه تنها بداند که خداست و نه تنها بفهمد که خدایه کارهای او آگاه است و روزی به کارهای او رسیدگی میشود. بلکه همه این امور را ببیند، خود را در حضور ... و مشاهد خدای عظیم و خیر ببیند، خود را حاضر در صحنه بازرسی و قیامت ببیند. اگر انسان معارف اینچنین بود که خود را در حضور خدایش دید، کاری که رضای خدایان نیست نمی‌کند. نه تنها کارنا روای خلاف رضای حق نمیکند بلکه کاری که مطابق با میل اوست و خواهش نفس در آن کار است نمیکند. می‌کوشد کاری بکند که مطابق خواست خدای اوست و بس.

این انسان نه ترس وادارش میکند که فضایل را فراهم کند، و نه شوق بهشت وادارش میکند که ردایل را ترک کند. این انسان بر اساس محبت کار می‌کند. نه بر پایه ترس یا بر پایه اشتیاق و علاقه به غیر خدا، از امام صادق، سلام ... علیه نقل شده است. که فرمود:

ماخذارانه برای شوق به بهشتش عبادت میکنیم و نه از هراس دوزخش اطاعت میکنیم بلکه بر اساس محبت به ذات او و به خود او عبادتش میکنیم. **كُلُّ الدِّينِ إِلَّا الْخَبْرُ: دین جز محبت چیز دیگری نیست. دین که کمال انسان در اوست بر پایه ترس و طمع به بهشت استوار نیست، دین بر پایه محبت استوار است و بس.** **هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْخَبْرُ، آن انسانی که بر پایه ترس**

از دوزخ و طمع به بهشت اطاعت میکند او خود را میخواهد، اطاعت آن انسان کاملی که بالاتراز ترس از جهنم و کاملتر از طمع به بهشت است او خدایا میشناسد و به او مهر می‌ورزد و بر پایه محبت به خدا، خدایا عبادت میکند و این مرحله وقتی حاصل است و برای انسان میسر است که خود را در حضور خدایبندد چون خدا کمال و نور محض است خدا حیات و علم و قدرت محض است انسانی که نور محض و حیات محض و کمال علم و قدرت و وحی رامیبیند به چیز دیگری حق به خویشش خویش نمی‌اندیشد. در اینجا سخن از ترس از دوزخ نیست در آن مرحله سخن از طمع به بهشت نیست. در آن مرحله سخن از لاف ... است، در آن مرحله سخن از مشاهده جمال و جلال الهی است. برای اینکه انسان به این مرحله والا نائل شود. خدا رسول ... (ص) را بعنوان اسوه به بشر معرفی کرد. حضرتش را مورد تاسی و اقتدای بشریت قرار داد، به بشر فرمود که پیامبر گر اقتدر دارای اخلاق عظیم است.

انک لعلی خلق عظیم، اگر حضرتش دارای خلق عظیم است هم گفتار او گفته خلق عظیم است، هم رفتار او کردار خلق عظیم است و بیروی خلق عظیم انسان را خلق عظیم میکند.

و چون حضرتش حبیب ... است بیروی حبیب ... انسان را حبیب ... میکند. به مقام والا محبت ... میرساند که آن مقام، منزله از ترس دوزخ است و مهربانی از طمع به بهشت، **إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ** اگر انسان حبیب خدا شد محب خدا شد کم محبوب خداهم میشود. اگر انسان دوست خدا شد کارش بجای می‌رسد که خدا دوست این انسان کامل باشد، این انسانی که از ترس و طمع رها شد، محبوب

... میشود، چه کمالی برای انسان بالاتراز آن که نور السموات و الارض محب او باشد، چه کمالی برجسته تر از آنکه انسان محب حیات محض و علم محض و هستی به قدرت محض باشد. خدا دوست انسان باشد برای اینکه علم به این مقام بلند نائل شود پیامبرش را هم در مقام علمی و هم در بعد عملی کامل کرد و او را این چنین معرفی کرد. انک لعلی خلق عظیم، آنگاه به بشریت فرمود: گفتار و رفتار این

پیامبر برای شماست

مَّا تَأْتِكُمُ الرَّسُولُ تَخَوُّوْهُ وَمَا تَهْمِكُمْ عَنْهُ فَاتَّقُوا، یعنی هر چه را پیامبر علیه الاف التحیه فرمود: اطاعت کنید. و هر جا که حضرتش نهی کرده است منتهی بشوید و آن نهی را بپذیرید و در بعد اقتداء و عمل چنین هم فرمود و لکم فی رسول الله. اسوه حسنه: یعنی حضرتش اسوه خوبی خواهد بود، شما اگر به حضرتش اقتدا کردید تاسی خوبی خواهد بود. این اسوه خلق عظیم است، شما به خلق عظیم اقتضا کنید و به خلق عظیم اقتدا کنید. راه اقتدای به خلق عظیم، راه تاسی به صاحب خلق عظیم آن است که اخلاق او را یکی پس از دیگری در خود احیاء کنید، و این میشود مگر اینکه انسان خود را در حضور خدای عظیم خیر ببیند. این انسانی که خود را در حضور خدا مبیند وظیفه‌ای دارد بنام مراقبت و تکلیفی دارد بنام محاسبه، که هم رقیب خود هست و هم حساب خویش. هم مواظب کارهای خود هست و هم حساب بر کارهای خود و یک لحظه خود را فراموش نمی‌کند. آن لحظه‌ای که انسان بفکر کمال خود نیست (خود را فراموش کرد).

آن لحظه‌ای که انسان به بیرون از جان خود برداخت (خود را گم کرد)، آن لحظه‌ای که بفکر مردن نیست بیرون از ذات خویش هست، آن دقیقه‌ای که بفکر تزیین ذات خویش نیست (خود را فراموش کرد). آن دقیقه‌ای که عمر را در اصلاح غیر جان خود صرف کرد دقیقه غفلت اوست. بیانی از امیرالمؤمنین علیه السلام رسیده است که فرمود:

من در شگفتم که مردم گمشده خود را جستجو میکنند که بیابند ولی خود را گم کرده‌اند و جستجو نمی‌کنند که بیابند. اگر چیزی که در جای خود نباشد گم شده است انسانی که نه در وطن بندگی انسانی و نه در مقام شهودا ... است، او خود را گم کرده است باید گم شده خویش را که همان خویشش خویش است پیدا کند. هر سخن که از ما شنیده میشود که در اصلاح ذات مانیت ناشی از غفلت ذات است. این مراقبت دائم و آن حساب رسی مداوم انسان راه جانی میرساند که جز خدایه چیزی نمینگرند و حبیب خدا و محبوب خدا خواهند شد. قرآن کریم این دو اصل مراقبت و محاسبیت را در سوره مبارکه خشر اینچنین بیان می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَنْظُرْ نَفْسًا مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ. در این آیه کریمه مختصر دوبار دستور تقوا داده شد است



مؤمنین از خدا بهره‌زید. هراسانی نگاه کند که برای فردایش چه فرستاده. حساب رس باشد، «واتقوا الله» باز دستور تقوی داده است، این دستور حساسی را بادوام به تقوی کنار هم ذکر کرده است، اول فرمان تقوی دوم دستور حساسی و سوم باز دستور تقوی داده است.

یعنی محاسبه رابدو تقوا بیجانده است فرمود: اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد واتقوا الله.

دستور تقوا، دستور حساسی برای پیش فرست فردا، باز دستور تقوی یکی تقوی در محاسبه، دیگری تقوی در مراقبه. انسان وقتی انسان است که رقیب و حساسی با تقوی خود باشد، در مراقبت و در محاسبه تقوای ترک نکند. مراقبت این است که انسان رقیب بکشد، گرفتن بکشد، مواظب باشد سحنه را خوب زیر نظر بگیرد، به چنین انسان مراقب میگویند. هر فردی موظف است مراقب با تقوی خود باشد یعنی هر کاری که میکند و هر سخنی که میگوید مواظب باشد که برای رضای خدا انجام بدهد و اگر جانی رامی نگرد رقیب خویش باشد.

بداند که خدانگاه خاتمانه رامیداند. بداند که خیانت چشم را خدای بیند و اگر با کتار گب بخواید حرکتی انجام بدهد رقیب با تقوی خویش باشد بداند که «وَبَلِّغْ لِكُلِّ هُمْزَةٍ أَلْمَزَةَ» و اگر خولست سخنی بگوید رقیب با تقوی خویش باشد و بداند که نمایندگان الهی حاضرند.

که میگوید رقیب الهی که اکید است، مستعد است آماده ضبط است در کنار گفتار او، قدمی که بر میدارد یا به پیشرفستی که دارد بداند که: تکتب ماقدم و آثار هم، هر قدمی را که انسان بر میدارد یا هر چه را که تقدیم میکند و هر اثری که از خود بیادگار می گذارد مالمورین... ضبط و ثبت میکنند این انسان که بمقام مراقبت رسیده است در رقابت خود با تقوا مواظب تمام کارهای خویش هست هر چه میکند ضبط میکند هر چه میکند ثبت میکند این مقام مراقبت است که این مقام باید با تقوا همراه باشد نه آنکه نیکبهارا ضبط کند. بدیها را فراموش کند احسانات را بخاطر داشته باشد (معاصی و سننات را فراموش کند فقط نیکي هارا بخاطر بسپارد) او باید رقیب با تقوی خویش باشد اگر از مقام مراقبت بالاتر آمد، اگر در رقابت خویش با تقوا بود کم کم به مقام دوم که مقام محاسبت هست میرسد کارهای خود را حساب میکند. زشت و زبیا را بررسی میکند، حق و باطل کار خود را می سنجد، حلال و حرام کاریامال خود را به حساب می آورد. در این بعد محاسبه هم، یک حسیب با تقوا خواهد بود چه اینکه تر بعد مراقبت یک رقیب متقی بود.

لذا در این آیه کریمه فرمود: یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله در مراقبت و مواظبت و لتنظر نفس ما قدمت لغد: هراسانی ببینید برای فردایش (روز محاسبت) چه فرستاده است. در این مقام دوم که مقام

فرماید: الا یعلمون خلق آن کسی که خالق است نداند و هو اللطیف الخیر، او مجرد است.

خبیر و آگاه است او، ریز بین ظریف کار است، او، دقیق بین است و آگاه. برای اینکه رسیدن به مراقبت و محاسبت در اثر آن است که انسان خود را فراموش نکند و فراموش نکردن خود برای آن است که خدا را فراموش نکند در آیه بعد میفرماید: ولاتکونوا کالذین نسوا... فانسا هم انفسهم: عاندت کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا اینها را از یاد خودشان برد.

کسی که نور السموات و الارض را نمی بیند خود را هم نمی بیند، چون خود را گم کرد و بیگانه را بجای خود گرفت، به فکر تزیین بیگانه شد. یا بفکر تزیین پیکر است که پیکر خود را بیاراید که پیکر او، اونست، یا به این فکر است که خانه را بیاراید که خانه او، اونست، یا بفکر آراستن و مسائل نقلیه است که و مسائل نقلیه او، اونست. عمری را بر مرمت بیگانه ها برداخت و با دست تھی برای ابد محروما خواهد رفت. فرمود «مبادا خدا را فراموش کنید که نتیجه تبلیغ فراموشی خدا، فراموشی خویشتن خود شمامست. آن انسانی که به عیبجویی دیگران برداخت، خود را فراموش کرد آن انسانی که به حدم دیگری برداخت، خود را گم کرد و لاتکونوا کالذین نسوا، خدا را فراموش کردند فانسا هم انفسهم، خدا هم اینها را از یاد خودشان برد. اگر کسی خود را فراموش کرد نه رقیب خود خواهد بود، نه حسیب خود خواهد شد و نه بفکر تکامل خود قدم بر میدارد، نه به پیامبر الهی اقتدا میکند، نه اوامرش را اطاعت میکند، نه از نواهیش منجز میشود، نه به او اعتنا و اقتدا میکند، مثل یک درختی خواهد شد که ریشه اش و دهنه اش و سرش و مغزش به خاک و گل فرو میرود و فروعاتش با شاخه هایش بالا می آید چون یک درخت هرگز ترقی نمی کند آنچه بالا آمد فرع این گیاه است و گزنه اصل او که مغز او، و دهن او، ریشه او و سراوست در گل فرورفته است. آن انسانی که از این دنیا با دست تھی برود، در حد یک درخت است که تمام فکرش به گل فرو رفته است، و فروعات زندگی اوست که بصورت یک بنای مجلل درآمده و او جز در محدوده گل چیری نمی فهمد، اودلی ندارد.

ده بود آن ۴ ۳ دل که انشروی اسب و خرباشد وضیا و اعقاب آنکس که جز طبیعت نمی اندیشد اوصاحب دل نیست ولاتکونوا کالذین نسوا الله فانسا هم انفسهم

آنها که خود را فراموش کرده اند در اثر فراموشی خدا فاسقند: (فسق عن الطریق) آن کسی که از راه مستقیم منحرف شد در نتیجه از هدف میماند، به او میگویند فاسق (فسق عن الطریق). چون راه رسیدن بمقام محبت الله، معرفت نفس و مراقبت و محاسبت نفس است اگر کسی مراقبت و حساسی

بقیه در صفحه ۷۳

*** انسانی که نه در موطن بندگی انسانی و نه در مقام شهودا... است، او خود را گم کرده است باید گم شده خویش را که همان خویشتن خویش است پیدا کند.**

*** امام صادق (ع) می فرماید: ما خدا را نه برای شوق به بهشتش عبادت می کنیم و نه از هراس دوزخش اطاعت می کنیم بلکه بر اساس محبت به ذات او و به خود او عبادت می کنیم.**

حساب رسی است فرمود: واتقوا الله یعنی حسیب با تقوی خود باش نه آنکه حسنات را دوچندان شماری و سننات را بحساب نیاروی. توی انسان گرچه در دنیا، در جمع دیگرانی ولی بعد از مرگ تنهائی، واحدی باتو نیست، هر کسی که تا دیروز جزء عشیره تو بشمار می آمد از روز مرگ به بعد بحساب فسیله خواهد بود اگر در دنیا با هم معاشر بودند در آخرت از یکدیگر منفصل خواهند شد، لذا عشیره دنیا فسیله آخرت است و هرگز انسان عاقل که یک موجود ابدی است خود را برای کوتاه مدت فدا نمی کند این آیه کریمه هم به ما دستور مراقبت و محاسبت میدهد و در ذیل می فرماید: ان الله خبیر بما تعلمون هر چه می کنید الله خبیر است، دسوره دیگری می

۵ - انعکاس فعالیت‌ها و تحلیل

نقش جهاد در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی از طریق رسانه‌های گروهی:

با توجه به نقش چشمگیر و گسترده جهاد سازندگی در تمامی صحنه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی - اجتماعی کشور در جریان انقلاب اسلامی مطالب و تحلیلهایی توسط ستاد تهیه و همراه با عکس و آمار در اختیار رسانه‌های گروهی قرار گرفت که بعضا در مطبوعات و صدای جمهوری اسلامی ایران به نحو جالبی منعکس گردید.

۶ - انتشار آخرین آمار فعالیت

های جهاد:

با همکاری و تلاش صادقانه برادران جهادگر در واحد آمار جهاد سازندگی بروشویی حاوی عکس و آخرین آمار فعالیت‌های جهاد در زمینه‌های مختلف چاپ و در سراسر کشور توزیع گردید. در این بروشور آمار کار کرد جهاد از ابتدا تا اول مهر ماه سال ۶۸ منعکس شده بود.

۷ - برگزاری مصاحبه مطبوعاتی

و رادیو تلویزیونی:

بحسب تصور روشن تر شدن نقش جهاد در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی و گزارش عملکرد این نهاد انقلابی چه در روستاها و چه در جنگ و بازسازی بدعوت ستاد نمایندگان مطبوعات و صدا و سیما در محل دفتر مرکزی حضور یافتند و در مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی که با شرکت اعضای شورای مرکزی جهاد تشکیل یافته بود شرکت نمودند. گزارش این مصاحبه در صدا و سیما خوب بود اما متأسفانه روزنامه‌ها و نشریه‌ها موارد ذکر شده در مصاحبه را خیلی خلاصه منعکس نمودند.

علاوه بر موارد ذکر شده در بالا برنامه‌های گوناگون دیگری نیز توسط ستاد تبلیغات دهه فجر انجام گرفت که فرصت ذکر آن‌ها نیست. در ضمن ستاد در حدود فرصت و توانایی با دفاتر جهاد در استانها نیز تماس داشت و تا آنجا که مقدور بود کار هماهنگی و هیاری را انجام میداد. لیکن اذعان داریم که دفتر مرکزی در رابطه با مراسمی نظیر «دهه فجر انقلاب اسلامی» و یا «هفته جنگ» و امثال این‌ها باید خیلی قوی‌تر و فعال‌تر عمل نماید و بتواند آنچنان که در خور دفتر مرکزی است برای مرکز و سرتایر ایران برنامه ریزی دقیق و گسترده داشته باشد و امیدواریم در برنامه‌ها و مناسبتهای آینده این مهم تحقق یابد. والسلام علیکم و رحمت الله

آئین نامه دادگاههای

فرمودید که در دادگاههای انقلاب اسلامی وجود دارد آنها چیست؟

بیشتر مشکلات در رابطه با عدم ضوابط قانونیت یک آیین نامه قانونی در رابطه با دادگاههای انقلاب داریم در موارد جزئی ضوابط قانونی نداریم بطوریکه برادران تشخیص بدهند که وظیفشان در هر موردی در این زمینه چیست؟ البته مقداری را واگذار کار نمود که ضوابط قانونی به مجلس داده شده که اشاء الله طبق همان قانون که برادران گذاشته اند عمل می‌کنند که عمده مسئله ما نیز همین بود.

س) با توجه به اینکه از لحاظ اهل قضاوت کمبود نیرو هست آیا بیش بینی‌هایی شده که مراکزتی تهیه شود که افراد نایبسته ای را آموزش بدهند و در مسئله قضاوت وارد بشوند.

ج) با این شرایطی که مجلس گذاشته دو منبع می‌تواند برای ما نیرو ساز باشد یکی دانشگاه است و دیگر حوزه‌های علمیه دینی چون قانون بیان نموده که دادرهای انقلاب و دادرهای عادی فرق نمی‌کند قضاتش باید به لسانس حقوق باشد یا سطح را در حوزه‌های علمیه خوانده باشد و قضات دادگاهها باید حداقل دو سال خارج هم خوانده باشند قضات دادگاهها و دادرها یا باید از دانشگاه تربیت بشوند و بیرون بیایند یا از حوزه‌های علوم دینی که آماده بکار هستند و دانشکده حقوق راه افتاده و شورای قضایی بحمدالله نظارت دارد ولی خوب افراد خیلی کمی می‌توانند جذب کنند در عرض چهار یا پنج سال عمده چیزی که می‌تواند برای ما منبع جذب نیرو باشد مدارس علوم دینی و حوزه‌های علمیه بخصوص قم است که در این زمینه برادران طلبه خواه خواهند قاضی بشوند یا شوند آن دروس را طی می‌کنند وقتی رسیدند به آنجائیکه شرایط موجوده شورای عالی قضائی هست باید اداره‌ای داشته باشند که طلبه‌هایی که در آن سطح هستند خواه برای دادرها یا برای دادگاههای انقلاب، جذب کنند، و این کار هم امیدواریم که با تشکیل شورایعالی جدید انجام بگیرد.

جلوگیری از فحشاء و منکر که در این مملکت از در دیوار سرازیر بود قبل از انقلاب همه اینها را اگر دادگاههای انقلاب در مقابلش ایستادگی نمی‌کردند خوب به این زودی منکرات جمع نمی‌شد الحمدالله مملکت ما به این پاکی و نجابت رسیده که ظواهر اسلامی در کشورمان بسیار نمایان است و فحشاء و منکر در ظاهر بهیچوجه که نباید هم باشد و الحمدالله در این رابطه ما خدمات بسیار ارزنده داشته‌ایم.

س - از لحاظ تشکیلات و وضعیت قانونی نهاد دادگاههای انقلاب در مجلس به چه صورت می‌باشد.

ج) البته از همان روزهای اول آیین نامه دادگاههای انقلاب با نظر مستقیم امام نوشته شد و بعد شورای انقلاب که در آن روز یک قوه مقننه در این مملکت بود و تمام قوانینش گذاشته شده امروز برای ما قانون است جز آنهایی که مجلس رد کرده خوب مصوبه آن در شورای انقلاب تصویب شده یک نهاد قانونی و رسمی در این مملکت است کار خودش را همانطور اجرا می‌کند تا موقعیکه در این کشور ترور هست آشوب و توطئه‌های ضد انقلابی هست ضرورت دارد دادگاههای انقلاب بماند البته خوب در این کشور طبق قانون اساسی یک دادگستری پیش بینی شده است زیر نظر شورایعالی قضایی که می‌تواند همه اینها را بشکلی در بیورد که مثلاً یک نوع قوه قضائیه داشته باشیم البته نه این معنا که دادگاههای انقلاب ادغام بشود در دادگستری فعلی و نه دادگستری را طوری تصفیه کند، تقویت کند که مانند دادگاههای انقلاب کارهایشان سریع محکم و قاطع انجام بگیرد دادگاههای انقلاب هم مشکلاتی یا گاهی به برنامه کمی و گاهی بی نظمی که دارند اینها برطرف شود و یک ارگان قضایی در این مملکت بصورت منضبط و قانونی و انقلابی و اسلامی در تمام امور اشاءالله بوجود بیاید.

س - ضعفها یا نارسائی یا مشکلاتی که اشاره

نکاتی پیرامون: معرفت

خدا را فراموش کرد یعنی خدا را شناخت) خود را هم فراموش میکند و نمی‌شناسد. اگر ما خود را در حضور مبدا مان یافتیم به این کمالات انشاء ... خواهیم رسید امیدواریم که معارف قرآن کریم در دل‌های همه ما حسن اثر بگذارد غفرالله لنا ولهم والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.

(ادامه دارد)

این نفس را رها کند فاسق میشود. ولاتکونوا کاذبین نسواه فانسا هم وانفسهم. این جمله مبارکه قرآن کریم را بایانی که از رسول اکرم و همچنین اسرارالمومنین (ع) رسیده است که: من عرف نفسه فقد عرف ربه: گفتند بمنزله عکس نقیض است. در آنجا فرموده‌اند هرکس خود را بشناسد خدا را می‌شناسد در این آیه خدای متعال فرموده است: کسی که